





در حالیکه رژیم نو قاجاریه ستممآلیی شبانه روز سرگرم کشتار هم میهنان بیگناهمان و تاراج و نابودی مام میهن است، برخی در این بین بجای مبارزه، همراه شدن و دست بدست یکدیگر دادن که با یکپارچگی و همبستگی بتوانیم رژیم ستمگر اسلامی را از اریکه قدرت بزیر فروکشیم و کشور و ملتمان را از زنجیر استبداد و اسارتشان آزاد سازیم، سنگ اسرائیل و دیگر بیگانگان و دشمنان ایرانی و ایرانزمین را به سینه میکوبند! ... آخر تا به کی بیگانه پرستی، بیگانه نوازی، میهن فروشی، خود کوبی و تکروی کردن؟

امیدمندم ایندسته از خواب غفلت بیدار و بهوش آمده و 'بفهمند' که تنها دوست برای ایران و ایرانی، خود ایرانی میباشد، نه بیگانگان، غربی و شرقی هم ندارد. بیگانگان برای ما کاهه ای نخواهند آورد که ما را نجات دهد، اسکندر دیگری را به گلویمان فرو میکنند تا بر سرمان بکوبد، همانگونه که در سال ۲۵۳۷ اسکندری بنام 'خمینی' را پیا داشتند که ایرانی تا با امروز بهای سنگین آنرا با جان و هستی خود می‌پردازد.

---

دارا جهان ندارد، سارا زبان ندارد

بابا ستاره ای در هفت آسمان ندارد

کارون ز چشمه خشکید، البرز لب فرو بست

حتا دل دماوند، آتش فشان ندارد

دیو سیاه در بند، آسان رهید و بگریخت

رستم در این هیاهو، گرز گران ندارد

روز وداع خورشید، زاینده رود خشکید

زیرا دل سپاهان، نقش جهان ندارد

بر نام پارس دریا، نامی دگر نهادند

گویی که آرش ما، تیر و کمان ندارد

دریای مازنی ها، بر کام دیگران شد

نادر ز خاک برخیز، میهن جوان ندارد

دارا! کجای کاری، دزدان سرزمینت

بر بیستون نویسند، دارا جهان ندارد

آییم به دادخواهی، فریادمان بلند است

اما چه سود، اینجا نوشیروان ندارد

سرخ و سپید و سبز است این بیرق کیانی

اما صد آه و افسوس، شیر زبان ندارد

کوآن حکیم توسی، شهنامه ای سُراید

شاید که شاعر ما دیگر بیان ندارد

هرگز نخواست کوروش، ای مهر آریایی

بی نام تو، وطن نیز نام و نشان ندارد

(چامه: سیمین بهبهانی)